



پاپ ژان پل دوم جنبش همبستگی و جایگزین نارنجی

Pope John Paul II Solidarity, and the Orange Alternative

Vision and Motivation

In the aftermath of World War II, the Soviet Union installed Communist puppet regimes in the Central and Eastern European states that it had occupied during the war. By installing pro-Moscow politicians as leaders of these oppressive satellite states, the Soviet Union established regional hegemony that has been commonly referred to as the Iron Curtain.¹

In Poland, the Communist leadership arrested, executed, and exiled Polish anti-Soviet political dissidents in order to consolidate political power. By the time Poland instated its new Soviet-inspired constitution in 1952, Poles had

بینش و انگیزه

پس از جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی، حکومت‌های دست‌نشانده‌ای را در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی که زمان جنگ اشغال کرده بود، بر سر کار آورد. با گماردن سیاست‌مداران طرفدار مسکو به عنوان رهبران این رژیم‌های اقماری سرکوب‌گر، هژمونی منطقه‌ای را بنیان گذاشت که آن را اصطلاحاً «پرده آهنین» می‌نامیدند.^۱

در لهستان، رهبری حزب کمونیست، ناراضیان و مخالفان اتحاد شوروی را برای تحکیم پایه‌های قدرت خود بازداشت، اعدام و برخی دیگر را تبعید نمود. پس از تدوین قانون اساسی جدید لهستان در ۱۹۵۲، که الهام گرفته از قانون اساسی

witnessed the abolition of their Senate, rigged elections, Communist land reforms, and their country's social and political introduction into the sphere of influence of the Soviet Union.²

Despite the government's modernization efforts and introduction of socialist economic reforms in the 1980's, its repression of its citizens' basic human rights catalyzed the eventual fall of the Soviet-backed regime in 1989.

Goals and Objectives

The opposition movement was comprised of a diverse group of political activists including Pope John Paul II and the Catholic Church, Lech Walesa's Solidarity movement, and the Orange Alternative Movement. While some of their goals varied, they shared a vision of a free, democratic Poland.

In 1978, the movement for a free Poland gained early traction with the election of Karol Józef Wojtyła, better known as Pope John Paul II, to the Papacy. The Pope was motivated by a belief that Catholicism and the individual conscience stood diametrically opposed to Communism's suppression of religious, economic and political freedoms, which established the



اتحاد شوروی بود، لهستانی‌ها شاهد لغو سنا، تقلب گسترده در انتخابات و اصلاحات ارضی به سبک کمونیست‌ها بوده و مسائل سیاسی و اجتماعی کشورشان به کلی در حوزه نفوذ اتحاد شوروی قرار گرفت.^۲

به رغم تلاش‌های دولت برای نوسازی و اقدام به اصلاحات در زمینه اقتصاد سوسیالیستی در دهه ۸۰، سرکوب شهروندان و رعایت نکردن حقوق اولیه انسانی، بستری را فراهم آورد که در نهایت به فروپاشی رژیم مورد حمایت اتحاد شوروی در ۱۹۸۹ انجامید.

اهداف و مقاصد

جنبش مخالفین، متشکل از گروه‌های مختلفی از جمله پاپ ژان پل دوم و کلیسای کاتولیک، جنبش همبستگی لخ والسا و جنبش جایگزین نارنجی بود. گرچه این گروه‌ها اهداف مختلفی را دنبال می‌کردند ولی در مورد لهستانی آزاد و دموکراتیک هم عقیده بودند.

در سال ۱۹۷۸، انتخاب کارول جوزف وجتیلا، به عنوان پاپ که بعداً به عنوان پاپ ژان پل دوم خوانده شد، جان تازه‌ای به جنبش لهستان آزاد بخشید. پاپ اعتقاد داشت که مذهب کاتولیک و افراد با وجدان، باید در برابر سرکوب آزادی‌های مذهبی، اقتصادی و سیاسی توسط حزب کمونیست، محکم بایستند زیرا آنها دولت را جایگزین خدا کرده بودند.^۳

او مسیحیت را بخش جدایی‌ناپذیر از تاریخ و فرهنگ غنی لهستان می‌دانست و در جست و جوی ایجاد جامعه‌ای بود که لهستانی‌ها بتوانند به آزادی و هویت ملی و مذهبی خود بازگردند.^۴ چهارده ماه بعد، جنبش همبستگی ظهور کرد و کارگران و روشنفکران را برای پیگیری خواسته‌ای که

state as an alternative to a higher being.³ He saw Christianity as an inseparable part of Poland's rich cultural history, and sought to re-establish a society where Poles could freely embrace their national and religious identity.⁴

Fourteen months later the Solidarity movement would emerge, uniting many workers and intellectuals in pursuit of the aspirations articulated by the Pope. The Solidarity movement spawned from a labor strike in August 1980, when workers shut down the Gdansk shipyard over new limits on wages.⁵ After successful negotiations with the government, the strike leaders formed Solidarity on September 17, 1980, making it the first independent labor union behind the Iron Curtain. Yet Solidarity was not simply a trade union; it was a social and political movement that strove for human dignity and full citizenship, rights and freedoms for all Poles.⁶

At the core of its vision was the concept of a "Self-Governing Republic," *Samorzanda Rzeczpospolita*, which advocated the development of democratic institutions. Solidarity's goal, established in the 1981 Congress, was "to create dignified conditions of life in an economically and politically sovereign Poland. By this we mean life free from poverty, exploitation, fear and lies, in a democratically and legally organised society." Moreover, stated the Solidarity program, "What we had in mind were not only bread, butter and sausage but also justice, democracy, truth, legality, human dignity, freedom of convictions, and the repair of the republic."⁷ These

آرزوی پاپ بود، متحد نمود. جنبش همبستگی در پی اعتصاب کارگری در آگوست ۱۹۸۰ شکل گرفت. زمانی که کارگران کشتی‌سازی گدانسک، در اعتراض به محدودیت‌های جدید در مورد دستمزد خود، دست از کار کشیدند.^۵ به دنبال مذاکرات موفقیت‌آمیز با دولت، رهبران اعتصاب، جنبش همبستگی را در ۱۷ سپتامبر تشکیل دادند تا نخستین اتحادیه مستقل کارگری در پشت پرده آهین به وجود آید. در عین حال، جنبش همبستگی تنها یک اتحادیه صنفی نبود بلکه جنبشی اجتماعی و سیاسی بود که تلاش خود را بر اعاده کرامت انسانی و شهروندی، حقوق و آزادی‌های ملت لهستان متمرکز کرده بود.^۶

هسته اصلی بینش جنبش همبستگی، رسیدن به نوعی «جمهوری خودگردان» بود که از توسعه نهادهای دموکراتیک، حمایت کند. در کنگره حزب همبستگی که در سال ۱۹۸۱ تاسیس شد، هدف جنبش اینگونه تبیین شد: «خلق شرایط بهتر زندگی از نظر سیاسی و اقتصادی در لهستانی مستقل و به عبارت دیگر زندگی فارغ از فقر، استثمار، ترس و دروغ در جامعه‌ای سازمان‌یافته بر مبنای قانون و دموکراسی» و اعلام برنامه جنبش، مبنی بر اینکه «آنچه ما در نظر داریم، تنها برای نان و کره و سوسیس نیست بلکه عدالت، دموکراسی، حقیقت، قانونمندی، کرامت انسانی، آزادی عقاید و ترمیم جمهوری است».^۷ این ارزش‌ها محور دوران بعد از کمونیسم و جمهوری سوم لهستان در دوران ریاست جمهوری لخ والسا در آغاز سال ۱۹۹۰ بود.

جنبش جایگزین نارنجی، تحت تاثیر همان بینشی که منجر به خلق جنبش همبستگی شد و نهایتاً از آرزوی پاپ برای سرنگونی کمونیسم در لهستان نشات می‌گرفت، به وجود آمد.

values would be the founding principles of the post-Communist Third Republic of Poland and Walesa's presidency beginning in 1990.

Motivated by the same vision that led to the creation of Solidarity and the Pope's desire to end Communism in Poland, the Orange Alternative, an artistic movement that engaged Polish university students, had a more abstract and aesthetic approach based on the power of imagination. "Imagination makes the world without limits... There is no single force in human life which could restrain the uncontrolled worlds of imagination. It transcends everything without using any real force; our imagination lives in us as long as it is free."⁸ With a focus on personal and collective freedom of expression as exercised through visual art, the Orange Alternative's goal was to undermine the Communist regime's control of consciousness through free and spontaneously subversive artistic expression. Initially, Orange Alternative participants looked for spots on city walls where the regime had painted over anti-Communist graffiti, in order to paint humorous images of dwarves on these spots. They could not be arrested by the police for opposition to the Communist regime without the authorities becoming a laughingstock over their alarm at painted dwarves on city streets.

Leadership

Though mass citizen participation was vital to the success of the anti-Communist movement in Poland, a democratic

دانشجویان لهستانی در این جنبش هنرمندانه فعال بوده و رویکرد آنها بیشتر انتزاعی و هنرمندانه و بر مبنای قدرت تخیل بود. «تخیل، جهانی بدون محدودیت می‌سازد. هیچ نیرویی در زندگی بشر نیست که بتواند دنیای غیرقابل کنترل تخیل را مهار کند. بدون صرف نیروی واقعی می‌توان بر همه چیز فائق آمد و تخیلات ما همواره با ما زندگی می‌کنند».^۸

هدف جنبش جایگزین نارنجی، این بود که با تمرکز بر آزادی‌های فردی و اجتماعی، از طریق هنرهای تجسمی، کنترل رژیم کمونیستی بر آگاهی‌ها را با استفاده از ابزار هنر به صورت آزاد و خودجوش نقد نموده و تضعیف کند. در ابتدا فعالین این جنبش، نقاطی از دیوارها که رژیم، شعارهای ضد کمونیستی را با رنگ پوشانده بود، انتخاب نموده و تصاویری هجوآمیز از کوتوله‌ها را در این نقاط نقاشی می‌کردند. رژیم نمی‌توانست آنها را بازداشت نماید، چون برای این کار باید ابتدا رسماً این کار را غیرقانونی اعلام کرده و خود را اسباب مضحکه می‌نمود.

رهبری

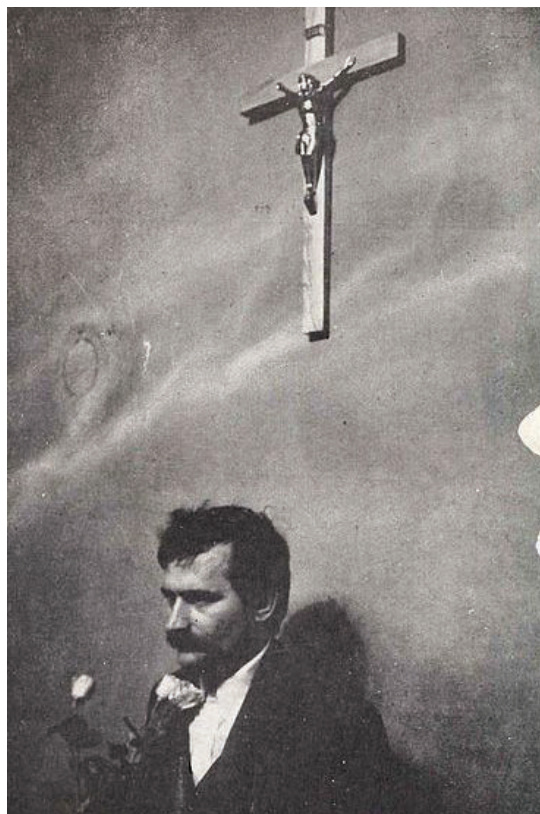
اگر چه عامل حیاتی در پیروزی جنبش ضد کمونیستی در لهستان، مشارکت وسیع توده مردم بود ولی این امر بدون رهبری افرادی مانند لخ والسا، رهبر جنبش همبستگی و ژان پل دوم، رهبر کلیسای کاتولیک و کلنل والدمار فیدریچ، بنیان‌گذار جنبش جایگزین نارنجی که بیشتر مردم او را با نام مستعارش «ماژور» می‌شناختند، عملی نبود. در حالی که هر کدام از این رهبران، زندگی و شیوه متفاوت رهبری خود را داشتند ولی در یک مورد با هم اشتراک عقیده داشتند، جامعه باز برای لهستان.

transition could not have happened without the leadership of people like Lech Walesa, founder of Solidarity; Pope John Paul II, head of the Catholic Church; and the founder of the Orange Alternative, Colonel Waldemar Fydrych, who was generally known by his satiric nickname "Major." While each person had his own life history and style of leadership, they shared a deeply personal commitment to the cause: an open Polish society.

Lech Walesa's name is synonymous with Solidarity; "He became more than just a symbol of what had been accomplished, he became the very embodiment of Solidarity."⁹ Walesa's ability to earn the trust of the people ensured that they never lost faith, regardless of how severe the backlash from the regime was. In a letter to Walesa, one Solidarity member highlights the reason for his admiration of the movement's leader: "You have shown us that we mustn't be frightened off by police truncheons, nor by ridicule, nor lack of faith. The other thing that really impresses me is your profound faith."¹⁰

While Walesa was the face of the movement, he benefited from a great deal of support from other leaders, including women whose leadership has gone largely unnoticed. Though some, like Anna Walentynowicz, were among the top leaders of Solidarity, others played a vital role as community leaders. Some women took on dangerous missions because of their ability to evade internal security forces, who always suspected men of carrying out dissident activities.

نام لخ والسا مترادف با همبستگی است. «او به صورت نمادی فراتر از آنچه به انجام رسانده بود، درآمد. او مظهر همبستگی شد.»^۹ توانایی والسا در جلب اعتماد مردم، سبب شد که آنها هرگز ایمان خود را هر چقدر هم واکنش رژیم شدید باشد، از دست ندهند. یکی از اعضای همبستگی در نامه‌ای به لخ والسا، علت اصلی تحسین او را اینگونه بیان می‌کند: «تو به ما نشان دادی که نباید



از باتوم پلیس، استهزا و یا بی‌ایمانی بترسیم. چیزی که در مورد تو واقعا مرا تحت تاثیر قرار می‌دهد ایمان عمیق تو است.»^{۱۰} در حالی که والسا چهره اصلی جنبش بود، از حمایت دیگر رهبران نیز بهره‌های فراوان برد. از جمله زنانی که به نقش آنها در رهبری توجهی نشده است. اگر چه بعضی از آنها مانند «آنا والن تی نویتس» از جمله رهبران رده بالای جنبش بودند ولی دیگران نیز نقش

It is no coincidence that many of these female leaders eventually earned powerful positions in the free Poland for which they fought so courageously.¹¹

Though not on the front lines, Pope John Paul II's role in the liberation of Poland cannot be understated. His visits to Poland and speeches around the country attracted and motivated millions of Poles. In fact, British scholar Timothy Garton Ash and others have argued that movements like Solidarity could not have come to fruition without the inspiration and support provided by the Polish pontiff.¹² Ash writes, "Without the Pope, no Solidarity. Without Solidarity, no Gorbachev. Without Gorbachev, no fall of Communism."¹³ Even Gorbachev, the last leader of the Soviet Union, acknowledged the pivotal role the Pope played: "It would have been impossible without the Pope," he said.¹⁴

The Orange Alternative's founder Waldemar Fydrych, the Major, was known for his eccentric personality, which was reflected in his artistic works as both a writer and painter. His aesthetic vision shaped the approach the Orange Alternative adopted in its opposition to the pro-Soviet regime. The Major offered a wide array of citizens an alternative, low-risk way to oppose the Communist regime, through the use of absurd and nonsensical symbols. Above all else, the group's paintings of dwarves became a symbol of democratic subversion in Poland during the period of martial law that began in December 1981.¹⁵

حیاتی در رهبری جامعه بازی می کردند. بعضی از زنان، ماموریت‌های بسیار خطرناک را به علت آنکه پلیس به آنها کمتر از مردان مشکوک می شد به عهده می گرفتند. بنابراین تصادفی نیست که این رهبران زن در لهستان آزاد که شجاعانه برای آن جنگیده بودند، مقام‌های بالایی را کسب کردند.^{۱۱} پاپ ژان پل دوم، گرچه در خط مقدم مبارزه نبود ولی نقش او در آزادسازی لهستان انکار ناپذیر است. بازدیدها و سخنرانی‌های او در لهستان، سبب انگیزه دادن و جذب میلیون‌ها نفر از مردم شد. در حقیقت نویسنده انگلیسی «تیموتی گارتن اش» عقیده دارد که جنبش‌هایی مانند همبستگی، نمی‌توانستند بدون الهام و پشتیبانی پاپ به ثمر برسند.^{۱۲}

اش می‌نویسد: «بدون پاپ، همبستگی نبود و بدون همبستگی، گورباچف نبود و بدون گورباچف، سقوط کمونیسم نبود.»^{۱۳} حتی گورباچف، آخرین رهبر اتحاد شوروی، به نقش حیاتی پاپ اذعان دارد. او می‌گوید: «بدون وجود پاپ این امر امکان‌پذیر نبود.»^{۱۴}

بنیان‌گذار جنبش جایگزین نارنجی، والد مار فیدریچ «ماژور» شخصیتی عجیب و غیرمعمول دارد که در کارهای هنری او، چه در نوشته‌ها و چه در نقاشی‌هایش بازتاب می‌یابد. او بینش ظریف و هنرمندانه خود را برای مقابله با رژیم‌های طرفدار اتحاد شوروی به خدمت گرفت. ماژور به طیف وسیعی از شهروندان، روش کم‌هزینه خود را برای مخالفت با رژیم، عرضه کرد. این روش، مبتنی بر استفاده از نمادهای غیرمعقول و ظاهراً بی‌معنی بود. مهم‌تر از همه، نقاشی‌های دیواری گروه او از کوتوله‌ها به صورت نماد براندازی دموکراتیک رژیم لهستان در دوران حکومت نظامی که از دسامبر ۱۹۸۱ شروع شده بود، درآمد.^{۱۵}

Civic Environment

The efforts of Pope John Paul II, the Solidarity Movement and the Orange Alternative occurred in an environment of severe repression. Under Soviet influence, the Communist government arrested, imprisoned, and occasionally executed opposition leaders without due process. Following the initial success of Solidarity, General Wojciech Jaruzelski of Poland declared a "state of war" and suspended the Constitution in a bid to crush the movement, arresting tens of thousands of Solidarity activists in coordinated police raids between 1982 and 1983.¹⁶

Lech Walesa faced great adversity as the leader of Solidarity; he was jailed for a year and remained under constant surveillance by the secret police until 1988. In 1983, he did not travel to receive his Nobel Peace Prize, partly out of fear he might not be allowed to return, and partly in solidarity with those who remained in prison: "Could my friends who are imprisoned or paid for the defense of Solidarity with the loss of their jobs accompany me on this day? If not, then it means that the day has not come for me yet to celebrate the awards, even such splendid ones."¹⁷

The lack of an independent press and the government's lack of tolerance for dissent posed obvious challenges for the Polish opposition. Solidarity, however, found a way around these restrictions. Through negotiations with the Communist regime, Solidarity was able to gain an exemption from government censorship for its internal union publications. In essence,

فضای مدنی

تلاش‌های پاپ ژان پل دوم و جنبش همبستگی و جایگزین نارنجی، در شرایط سرکوب شدید اتفاق افتاد. دولت کمونیستی لهستان که تحت نفوذ اتحاد شوروی بود اقدام به بازداشت و زندانی کردن و در مواردی اعدام رهبران مخالفین، بدون طی مراحل قانونی نمود.

پس از موفقیت‌های اولیه جنبش همبستگی، ژنرال وویچک یاروزلسکی در کشور، حالت جنگی اعلام نموده و برای سرکوب جنبش، قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد و ده‌ها هزار نفر از فعالین را طی عملیات گسترده پلیس، بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۳ به زندان انداخت.^{۱۶}

لخ والسا به عنوان رهبر جنبش همبستگی، با دشمنی بی‌پایان رژیم روبرو شد. او به مدت یک سال به زندان افتاد و تا سال ۱۹۸۸، تحت نظارت مستمر پلیس قرار داشت. او در سال ۱۹۸۳ برای دریافت جایزه صلح نوبل به دو دلیل به خارج سفر نکرد، دلیل اول این که می‌ترسید به او اجازه بازگشت داده نشود و دلیل دیگر همبستگی با زندانیانی بود که هنوز آزاد نشده بودند. «آیا دوستان من که اکنون در زندان هستند و آنها که شغلشان را به خاطر دفاع از جنبش از دست داده‌اند، می‌توانند مرا در این سفر همراهی کنند؟ اگر نه، پس معنی آن این است، روزی که بتوان این جایزه را جشن گرفت هنوز فرا نرسیده است حتی این چنین جایزه با شکوهی».^{۱۷}

فقدان رسانه‌های مستقل و عدم تساهل دولت در مورد دگراندیشان، چالش‌های بسیاری را برای مخالفین به وجود آورد. اگرچه جنبش راهی پیدا کرد که این محدودیت‌ها را دور بزند، اما موفق شد در مذاکره با دولت، مجوز معافیت از سانسور را برای نشریات داخلی اتحادیه کسب نماید.

a publication could be widely distributed under law if it was stamped "For intra-trade-union use only." This exemption allowed Solidarity to operate as "an island of freedom" that allowed for "various forms of self-expression by citizens and in effect produced a civil society within its bounds." In April 1981, Solidarity launched the newspaper Tygodnik Solidarnosc, Solidarity Weekly.¹⁸

در حقیقت جنبش می‌توانست این نشریات را به طور گسترده توزیع کند، مشروط بر اینکه عبارت «تنها برای مصرف داخلی اتحادیه» را قید نماید. این معافیت به همبستگی این فرصت را داد که مانند یک «جزیره آزادی» عمل نماید و در نتیجه «شهروندان در اشکال مختلف اظهار عقیده نموده و نوعی جامعه مدنی در این چهار چوب شکل گرفت». در آوریل ۱۹۸۱ جنبش همبستگی اقدام به نشر هفته‌نامه همبستگی نمود.^{۱۸}

Message and Audience

Human dignity was a central value for all parts of Poland's anti-Communist struggle. The daily suffering of Poles, particularly the lack of affordable food, was effectively linked to the absence of freedom by Solidarity, the Pope, and the Orange Alternative. Solidarity's messaging in 1981 reflected this basic value: "History has taught us that there is no bread without freedom."¹⁹

At the core of their message, Solidarity called for mass mobilization efforts on behalf of the Polish people. The movement was able to expand beyond its original base of workers to build a movement reflective of its name – one that united many segments of society. It spread from industrial to agricultural workers with the formation of Rural Solidarity, and it was even able to build bridges with the Polish intelligentsia, despite its labor roots. As the BBC noted, Solidarity "brought books and libraries to the Polish shipyards." When the Gdansk Accord was reached, achieving Solidarity's initial goals, one Pole says there was "tremendous hope and a kind

پیام و مخاطب

کرامت انسانی، ارزش محوری مبارزات ضد کمونیستی بود. مشقات روزانه مردم لهستان و به خصوص کمبود مواد غذایی مناسب، به نحو موثری توسط همبستگی به نبود آزادی گره زده شد. در سال ۱۹۸۱، ارزش‌های بنیادین مثل آزادی‌های مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در پیام‌های پاپ، جایگزین نارنجی و همبستگی بازتاب یافت. «تاریخ به ما آموخته است که نان بدون آزادی میسر نیست».^{۱۹}

هسته اصلی پیام همبستگی، فراخوانی برای تلاش‌های گسترده از طرف همه مردم لهستان بود. جنبش موفق شد، پایگاه اصلی کارگری خود را گسترش دهد تا نامی را که برای خود انتخاب کرده است، معنی‌دارتر کند و بتواند بخش‌های مختلف جامعه را متحد نماید. با ایجاد جنبش «همبستگی روستایی» دامنه خود را از کارگران صنعتی به کشاورزان نیز گسترش داد. جنبش حتی توانست علی‌رغم ریشه‌های کارگری خود، پلی نیز به سوی روشنفکران لهستانی بزند. همان‌گونه که بی بی سی می‌گوید: «همبستگی کتاب و کتابخانه را به کارخانه‌های کشتی‌سازی آورد.» زمانی که پیمان گدانسک به امضا رسید و

of electricity between people...that was one of those moments when, suddenly, millions of people felt that they wanted the same thing, which was free trade unions to represent them against the [Communist] Party."²⁰

The Pope supported the opposition movement in Poland via his position as the head of the Catholic Church, encouraging Polish loyalty to the Catholic Church rather than to the Communist state. Whether his audience was the Polish people or the international political community, the Pope's message emphasized the values of freedom and liberty, providing moral support to the opposition movement in Poland. A landmark moment was the Pope's 1979 visit; John Paul II had hoped that by visiting Poland, he could rouse the spirits of his Polish compatriots in opposition of the Communist regime. Despite a prediction by the regime that only dozens of Poles would show up for the Pope's visit, millions came to greet him, embarrassing the Communist regime. Pope John Paul II mobilized Polish citizens who were eager to embrace their country's faith, tradition, and historical origins, rather than rejecting them as Communism dictated.

The Orange Alternative amassed popular support through humor and by embarrassing the ruling authorities with slogans like "Citizen, help the militia, beat yourself up." The Orange Alternative was "a mirror, held up to illuminate the foibles, blemishes and absurdities of the system, by reducing to absurdity the

همبستگی به هدف‌های اولیه خود نائل آمد، یک لهستانی می‌گوید: «امید فوق‌العاده و ارتباط بسیار قوی بین مردم به وجود آمده بود. از آن لحظات نادری بود که به ناگهان میلیون‌ها نفر خواست واحدی داشتند و این خواست واحد، آن بود که اتحادیه‌های کارگری آنها را در برابر حزب کمونیست نمایندگی کنند».^{۲۰}

پاپ، جنبش مخالفین را با استفاده از مقام خود به عنوان رهبر کلیسای کاتولیک، حمایت کرد. وی لهستانی‌ها را تشویق می‌کرد که به جای وفاداری به دولت کمونیستی، به کلیسا وفادار باشند. پیام او هم به مردم لهستان و هم به مجامع سیاسی بین‌المللی، تاکید بر ارزش‌های



آزادی و آزادی‌خواهی بود و این امر پشتیبانی اخلاقی برای مخالفین لهستانی را فراهم آورد. دیدار پاپ از لهستان در سال ۱۹۷۹، یک رویداد بزرگ تاریخی بود. او امیدوار بود که در دیدار از لهستان بتواند روحی تازه در هم‌میهنانش برای مبارزه با رژیم کمونیستی بدمد. علی‌رغم پیش‌بینی رژیم، مبنی بر آنکه تعداد معدودی به استقبال پاپ خواهند رفت، میلیون‌ها نفر برای خوش‌آمدگویی به او حاضر شدند و رژیم کمونیستی را شرم‌نده کردند. پاپ ژان پل دوم، مردم لهستان را بسیج کرد تا به جای آنکه دست‌نشانده کمونیست‌ها باقی بمانند، به سنت‌ها، ایمان و ریشه‌های تاریخی

actions of the authorities." The Orange Alternative sought to engage as universal an audience as possible. Some claim that its choice of the color orange represented a middle ground between the Communist left, represented by the color red, and the Church on the ideological right, represented by the color yellow.²¹ The color orange later provided inspiration for the 2004 Orange Revolution in Ukraine; it was adopted by Viktor Yushchenko and his opposition coalition as their official party color.²²

Outreach Activities

Regardless of the different approaches used, bringing down the Communist regime in Poland required mass public participation. Pope John Paul II was able to galvanize millions of Poles by promoting and projecting an image of a strong, free Poland. As the leader of a global religious movement, the Pope was able to utilize his political power by reaching out to governments who supported an independent Poland, such as the United Kingdom. Lech Walesa's 1983 meeting with the Pope and British Prime Minister Margaret Thatcher's meeting with 5,000 Solidarity leaders in Gdansk, during which she proclaimed, "Nothing can stop you!" stand out as two important moments that enhanced the mass support for the movement.²³

Solidarity adopted a doctrine of non-violence, which enhanced its populist image and allowed for mass participation. Thus, it organized a wave of strikes

کشور خود برگردند. جنبش جایگزین نارنجی، حمایت مردمی را از طریق طنز و طرح شعارهایی مانند «شهروندان به میلش کمک کنید و خودتان را کتک بزنید» جلب می‌کرد. جنبش جایگزین نارنجی «آینه‌ای بود که نقاط ضعف، عیوب و بیهودگی سیستم را نشان می‌داد و کنش‌های مقامات حکومتی را تا مرز حماقت پایین می‌آورد». این جنبش تا آنجا که امکان داشت به دنبال مخاطبین جهانی بود. برخی ادعا می‌کنند که انتخاب رنگ نارنجی، انتخابی میانه بود، به این معنی که رنگ سرخ، رنگ چپ‌ها و رنگ زرد، رنگ کلیسا و به تعبیر دیگر راست‌ها بود.^{۲۱} در سال ۲۰۰۴، ویکتور یوشچنکو در اوکراین، از جنبش نارنجی الهام گرفت و این رنگ را به عنوان رنگ رسمی حزب خود برگزید.^{۲۲}

فعالیت‌های فراگستر

صرف نظر از رویکردهای مختلفی که مورد بهره‌برداری قرار گرفت، سرنگون کردن رژیم کمونیستی در لهستان، نیاز به مشارکت وسیع توده‌های مردم داشت. پاپ ژان پل دوم با وعده لهستانی آزاد و نیرومند، میلیون‌ها نفر لهستانی را همسو کرده و در مقام رهبری جنبش مذهبی جهانی، توانست حمایت سایر دولت‌ها را برای لهستانی مستقل، جلب نماید. از جمله این کشورها می‌توان انگلستان را نام برد. ملاقات ۱۹۸۳ لخ والسا و پاپ و نیز ملاقات مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلیس با ۵۰۰۰ نفر از رهبران جنبش همبستگی در گدانسک که طی آن تاچر، رهبران جنبش را مخاطب قرار داد و گفت: «هیچ چیز نمی‌تواند شما را متوقف کند» را می‌توان دو حادثه تاریخی مهم نامید که میزان حمایت از جنبش را بالا برد.^{۲۳} جنبش همبستگی، دکترین بدون خشونت را

throughout the country that would paralyze the government and pressure them to make concessions. On March 27, 1981, for instance, a nation-wide strike protesting the beatings of 27 Solidarity members mobilized over half a million people, bringing the entire country to a standstill. It was the largest strike in Poland's history under the Soviet Union, forcing the government to promise an investigation into the beatings.²⁴

The Orange Alternative generated excitement within the opposition through its unusual outreach methods. In addition to the peaceful but subversive tactics of graffiti art, the Orange Alternative organized public gatherings that were referred to benignly as "happenings." In 1988, at the peak of discontent, the Orange Alternative organized a 10,000-person march through the city of Wroclaw wearing orange dwarf hats in what became known as the Revolution of the Dwarves. In this way, the movement's leaders sought to add a degree of levity to the opposition movement, breaking from the monotony of protests and creating more lighthearted and humorous events for participants.²⁵ The Orange Alternative's unique and unexpected modus operandi left the government uncertain of how to respond, one of the many reasons for their success as an activist movement.

The combined efforts of Solidarity, Pope John Paul II, and the Orange Alternative led to significant changes in Poland's political climate. The first major success came in August 1988, when

راهکار خود قرار داد و سبب شد که وجهه عمومی خود را بالا برده و مشارکت گسترده توده‌ها را جلب نماید؛ بنابراین جنبش موفق شد موجی از اعتصابات در سراسر کشور را سازماندهی کند تا دولت را فلج کرده و آنها را وادار به سازش نماید. به عنوان مثال در ۲۷ مارس ۱۹۸۱، در اعتراض به ضرب و شتم ۲۷ نفر از اعضای همبستگی در سراسر کشور، جنبش، اعتصابی را سازماندهی کرد که بیش از نیم میلیون نفر در آن شرکت کرده و چرخ مملکت را متوقف کردند. این بزرگ‌ترین اعتصاب در تاریخ لهستان تحت کنترل اتحاد شوروی بود و دولت را وادار کرد که وعده رسیدگی به ضرب و شتم اعضا را بدهد.^{۲۴}

جایگزین نارنجی با به کارگیری روش‌های غیرمعمول، شور و هیجان زیادی در مخالفین می‌آفرید. علاوه بر استفاده از تاکتیک‌های مسالمت‌آمیز اما ویرانگر هنر دیوان‌نویسی، این جنبش تجمعی را سازماندهی کرد که از آن به نام «رویدادها» نام می‌برند. در سال ۱۹۸۸ در اوج نارضایتی، این جنبش در شهر «ورکلاو» راهپیمایی را سازمان داد که در آن ده هزار نفر کلاه نارنجی کوتوله‌ها را بر سر گذاشتند که از آن به نام انقلاب کوتوله‌ها یاد می‌شود. با این روش، رهبران جنبش می‌خواستند کمی از آن جو سنگین بکاهند و تظاهرات را از حالت یک‌نواختی درآورده و کمی سبک‌سری و شوخی را چاشنی تظاهرات کنند.^{۲۵} روش‌های عملیاتی یگانه و غیرمعمول جنبش جایگزین نارنجی، سبب شد که دولت در برخورد با آنها دچار تردید شده و نتواند واکنش مناسب نشان دهد. این یکی دیگر از دلایل موفقیت این جنبش فعال بود. تلاش‌های مشترک همبستگی، پاپ ژان پل دوم و جایگزین نارنجی، منجر به تغییرات قابل توجهی در فضای سیاسی

Poland's Interior Minister Gen. Czeslaw Kiszczak met privately with Lech Walesa, pleading with him to put an end to the general strikes occurring throughout the country. After completing his side of the bargain, Walesa began a long series of negotiations with Poland's head of state, Gen. Jaruzelski, over the political status of Solidarity. After four months of grueling debate, Walesa won Gen. Jaruzelski's support in accepting the return of Solidarity, which was officially announced after a Communist Central Committee meeting in January 1989.²⁶

Soon after the ban on Solidarity was lifted, Walesa again sat down with Communist Party leaders to start the Round Table Negotiations, a series of talks between the opposition movement and the government in February 1989. The Round Table negotiations, a government effort to defuse the social unrest, led to a major success for the opposition in the form of the Round Table Agreement of 1989. As the leader of the delegation of opposition leaders, Walesa helped pass the agreement, which legalized independent trade unions, introduced the position of the presidency as a Polish political institution, and created a bicameral legislature.²⁷

In addition to the restructuring of Poland's government branches, the agreement called for parliamentary elections, which brought a landslide victory for Walesa and his Solidarity Party. Solidarity established itself as a legitimate political party, winning 99% of Senate seats and 35% of Sejm (the lower house of

لهستان شد.

نخستین موفقیت بزرگ در اگوست ۱۹۸۸ حاصل شد، زمانی که ژنرال چسلاو کیجی ژاک، وزیر کشور به طور خصوصی با لخ والسا ملاقات نمود و از او درخواست کرد که به اعتصاب‌هایی که در سراسر کشور جریان داشت، پایان دهد. پس از اتمام این معامله، والسا یک رشته مذاکرات طولانی را با ژنرال یاروزلسکی، رئیس دولت لهستان درباره وضعیت سیاسی جنبش همبستگی آغاز کرد. پس از چهار ماه بحث‌های طولانی و کش‌دار، سرانجام والسا رضایت ژنرال یاروزلسکی را برای فعالیت مجدد جنبش همبستگی به دست آورد و این امر در ژانویه سال ۱۹۸۹، پس از جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست به طور رسمی اعلام شد.^{۲۶}

بلافاصله پس از آنکه ممنوعیت جنبش همبستگی برداشته شد، والسا مجدداً با رهبران حزب کمونیست به مذاکره رو در رو نشست. در فوریه ۱۹۸۹، یک رشته گفتگو بین مخالفین و دولت انجام شد. گفتگوهای رو در رو تمهید دولت برای خواباندن ناآرامی‌های سیاسی بود. نهایتاً مخالفین به موفقیت بزرگی دست یافتند و توافق‌نامه ۱۹۸۹ را با دولت امضا کردند. والسا در مقام رهبر گروه مذاکره‌کننده این توافق را از تصویب گذرانید که طی آن اتحادیه‌های کارگری مستقل، قانونی شده و ریاست جمهوری به صورت یک نهاد درآمده و نیز دو مجلس قانون‌گذاری تاسیس گردید.^{۲۷} علاوه بر بازسازی سه قوه سیاسی، توافق‌نامه، خواستار برگزاری انتخابات مجلسین شد که پیروزی بزرگی در این انتخابات نصیب والسا و حزب همبستگی گردید. همبستگی که به صورت یک حزب قانونی درآمده بود، موفق شد ۹۹ درصد کرسی‌های سنا و ۳۵ درصد

parliament) seats. Walesa became the first democratically elected president of Poland in 1990, ending more than four decades of Communism.²⁸

کرسی‌های مجلس را از آن خود کند. در سال ۱۹۹۵، والسا نخستین رئیس‌جمهور منتخب لهستان شده و به چهار دهه حکومت کمونیستی پایان داده شد.^{۲۸}

Footnotes

پی‌نوشت‌ها

1. Jerzy W. Borejsza, Klaus Ziemer, Magdalena Hulas. *Totalitarian and Authoritarian Regimes in Europe: Short and Longterm Perspectives*. Berghahn Books, 2006. Print: 277.
2. "A Brief History of Poland: Chapter 13: The Post-War Years, 1945–1990." *Polonia Today Online*. 1994.
3. Zagacki, Kenneth S. "Pope John Paul II and the Crusade Against Communism: A Case Study in Secular and Sacred Time," *Rhetoric & Public Affairs*, 4:4 (2001), pp. 689-710.
4. "Pope John Paul's Crusade against Communism." *CNN*. 21 Jan. 1998.
5. Ash, Timothy Garton. "Lech Walesa." *Time*. 13 April 1998.
6. Donavan, Jeffery. "Poland: Solidarity - The Trade Union That Changed The World." *Radio Free Europe*. 24 Aug. 2005.
7. Walesa, Lech. "Nobel Lecture." *Nobel Prize*. 1997.
8. Misztal, Bronislaw. "Between the State and Solidarity: One Movement, Two Interpretations - The Orange Alternative Movement in Poland." *The British Journal of Sociology* 43:1 (March, 1992), pp. 55-78.
9. Cirtautas, Arista Maria. *The Polish Solidarity Movement: Revolution, Democracy and Natural Rights*. London: Routledge, 1997. p. 200.
10. *Ibid*.
11. Penn, Shana. *Solidarity's Secret: The Women Who Defeated Communism in Poland*. Ann Arbor: The University of Michigan Press, 2005.
12. "John Paul II: A Strong Moral Vision." *CNN*. 2005.
13. O'Toole, Fintan. "The Great Contradictions." *The Irish Times*. 4 Feb. 2010.
14. "Pope Stared Down Communism in Homeland – and Won." *CBC News Online*. April 2005.
15. *The Orange Alternative - Revolution of Dwarves*. Warsaw. 2008. ISBN 978-83-926511-4-7.
16. Darnton, John. "Poland Restricts Civil and Union Rights; Solidarity Activists Urge General Strike." *New York Times* 14 Dec. 2001. A1.
17. "Nobel for Lech Walesa." *Solidarnosc*. 2006.
18. Kurczewski, Jacek and Kurczewska, Joanna. "A Self-Governing Society Twenty Years After Democracy and the Third Sector in Poland." *Social Research* (2001).
19. Walesa.
20. Repa, Jan. "Solidarity's Legacy." *BBC News*. 12 Aug. 2005.
21. Tagliabue, John. "Wroclaw Journal; Police Draw the Curtain, but the Farce Still Plays." *The New York Times* 14 July 1988.
22. Redel, Konrad. "Ceremony of Handing in an Orange Dwarf Hat to President Yushchenko." *The Orange Alternative*. 12 April 2005.
23. Dhiel, Jackson. "Poles Cheer Thatcher During Visit to Gdansk; 'Nothing Can Stop You,' British

Leader Tells Walesa." Washington Post 5 Nov. 1988.

24. MacEachin, Douglas J. U.S. Intelligence and the Confrontation in Poland 1980-1981. University Park: Penn State Press, 1998. P. 120.

25. Misztal p. 62.

26. Ash, Timothy Garton. The Magic Lantern: The Revolution of '89 Witnessed in Warsaw, Budapest, Berlin, and Prague. New York: Vintage, 1999.

27. Ash, Timothy Garton. "Lech Walesa." Time. 13 April 1998.

28. Ibid.

Learn More

News and Analysis

Ash, Timothy Garton. "Lech Walesa." Time. 13 April 1998.

Birnbaum, Norman. "Remember Solidarity! Poland's Journey to Democracy." Open Democracy. 25 Aug. 2005.

"Country Report: Poland." Freedom House. 2009.

Donavan, Jeffery. "Poland: Solidarity - The Trade Union That Changed The World." Radio Free Europe. 24 Aug. 2005.

"Home page." Lech Walesa Institute Foundation. 2008.

"Home page." The Orange Alternative. 1 Dec. 2004.

"John Paul II: A Strong Moral Vision." CNN. 2005.

"Lech Walesa." Wikipedia. 8 Feb. 2010.

Misztal, Bronislaw. "Between the State and Solidarity: One Movement, Two Interpretations - The Orange Alternative Movement in Poland." The British Journal of Sociology 43:1 (March, 1992), pp. 55-78.

"Orange Alternative." Wikipedia. 19 Jan. 2010.

O'Toole, Fintan. "The Great Contradictions." The Irish Times. 4 Feb. 2010.

"Pope John Paul's Crusade against Communism." CNN. 21 Jan. 1998.

Puddington, Arch. "How Solidarity Spoke to a Nation: A Lesson for Today's Democratic Insurgents." Freedom House. 17 July 2012.

"Pope Stared Down Communism in Homeland - and Won." CBC News Online. April 2005.

Repa, Jan. "Solidarity's Legacy." BBC News. 12 Aug. 2005.

Books

Ascherson, Neal. The Polish August: The Self-Limiting Revolution. Harmondsworth: Penguin, 1981.

Ash, Timothy Garton. The Magic Lantern: The Revolution of '89 Witnessed in Warsaw, Budapest, Berlin, and Prague. New York: Vintage, 1999. Print.

Ash, Timothy Garton. The Polish Revolution: Solidarity 1980-82. London: Jonathan Cape, 1983.

Cirtautas, Arista Maria. The Polish Solidarity Movement: Revolution, Democracy and Natural Rights. London: Routledge, 1997.

Kemp-Welch, A. The Birth of Solidarity: The Gdansk Negotiations, 1980. London: Macmillan, 1983.

MacShane, Denis. Solidarity: Poland's Independent Trade Union. Nottingham: Spokesman Books, 1981.

بیشتر بدانید

خبرها و مقاله‌ها

Penn, Shana. *Solidarity's Secret: The Women Who Defeated Communism in Poland*. Ann Arbor: The University of Michigan Press, 2005.

Potel, Jean-Yves. *The Summer Before the Frost: Solidarity in Poland*. London: Pluto Press, 1982.

The Orange Alternative - Revolution of Dwarves. Warsaw. 2008. ISBN 978-83-926511-4-7.

Walesa, Lech. *A Way of Hope*. New York: Henry Holt, 1987.

Walesa, Lech. *The Struggle and the Triumph: An Autobiography*. Arcade Publishing, 1994.

Zielonka, Jan. "Strengths and Weaknesses of Nonviolent Action: The Polish Case," *Orbis* 30 (Spring 1986).

Videos

ویدئوها

"Abendland in Zwergenhand - Orange Alternative in Wien." YouTube. 12 June 2009.